

”

رفتند و نتیلاتور را از جای دیگر بخرند؛ ولی کسی بهشان نفروخت. قیمت این دستگاه قبل از کرونا ۲۰-۲۵ هزار تا بود. ما معادل ریالی ۷ هزار یورو فروختیم. قیمت ما قبل از کرونا ۱۰ هزار یورو بود. ولی آن زمان قیمت را سی درصد پایین آوردیم. تنها محصولی بود که در دوران کرونا قیمتش پایین آمد، با اینکه استراتژیک‌ترین است. ما محصول بود. همه می‌خواستند بسازند و قطعات گران شده بودند. اما ما ارزان کردیم

چون تعداد کمی نصب داشتیم، ازمان نمی‌خریدند. با اینکه آن سابقه در تولید مانیتور را داشتیم و تا آن زمان ۵۰ هزار دستگاه فروخته بودیم. اواخر ۹۸ دیگر اولین مناقصه را شرکت کردیم و برنده شدیم. می‌خواستیم برای ۱۰۰ تا قرارداد ببندیم که گفتند ۱۰۰ تا خیلی کم است. ۱۰۰۰ تا بیاور. انگار بخواهند نان بربری بخرند. ما به فکر توسعه بودیم و ظرفیت خط تولید را بالا برده و قطعات خریداری کردیم برای ۳۰۰ دستگاه. اما ۱۰۰۰ تا زیاد بود. ۱۰۰۰ تا مانیتور هم می‌خواستند. آن را دادیم. اما ونتیلاتور فرق می‌کرد.

بالاخره دکتر ستاری حمایت کردند و قرارداد بستیم. گفتند یک ماهه تحویل دهید. اما من گفتم زمان بیشتری لازم دارم و آنها عجله داشتند. رفتند از جای دیگر بخرند؛ ولی کسی بهشان نفروخت. قیمت این دستگاه قبل از کرونا ۲۰-۲۵ هزار تا بود. ما معادل ریالی ۷ هزار یورو فروختیم. قیمت ما قبل از کرونا ۱۰ هزار یورو بود. ولی آن زمان قیمت را سی درصد پایین آوردیم. تنها محصولی بود که در دوران کرونا قیمتش پایین آمد، با اینکه استراتژیک‌ترین محصول بود. همه هم می‌خواستند بسازند و قطعات گران شده بودند. اما ما ارزان کردیم، چون هم تیراژ خواسته بودند و هم ما نمی‌خواستیم بازی در بیاوریم. بعضی دوستان گفتند می‌توانی راحت ۲۰ هزار یورو بفروشی. خیلی هم خوشحال می‌شوند که فقط دو برابر گران کرده‌ای. چون مثلاً ماسک را تا ۱۰ برابر گران‌تر مجبور بودند بخرند. اما من گفتم در شرایطی که کادر درمان جانشان را گذاشته اند کف دستشان و اصلاً معلوم نیست که ماسک دیگری زنده باشیم یا مرده. الان موقع کاسبی و سود کردن این طوری نیست. ما آن قدر که از دستمان برمی‌آید کمک می‌کنیم. موقعیت خاص بود دیگر.

ریسک بالایی هم داشت. اگر دستگاهمان خراب می‌شد یک جایی اشتباه می‌کردیم، باید ظرف مدت کوتاهی خط تولیدمان را

من ۱۰ تا دستگاه از تولید گرفتیم و گفتم بروید این ۱۰ دستگاه را در بیمارستان‌های مختلف نصب آزمایشی کنید. مجوز هم داشتیم ولی چون با جان انسان سروکار داشتیم و برپایمان مهم بود، هر کدام را نصب می‌کردیم یک نفر هم از خودمان دائم بالای سرش می‌ایستاد. یعنی ونتیلاتور قبلی را از مریض جدا و ونتیلاتور خودمان را وصل می‌کردیم، مودهایش را ست می‌کردیم و بالای سرش می‌ایستادیم. ببینیم چه کار می‌کند. در واقع به شدت مراقب بودیم که اتفاقی نیفتد. تا قبل از کرونا داشتیم به این نتیجه می‌رسیدم که کار خطرناک و مافوق جسورانه‌ای انجام دادیم. حساسیتش را بعد از نصب دقیق لمس کردیم. من زمان کرونا خودم هم می‌رفتم بیمارستان بالای سر دستگاه می‌ایستادم.

تا ۹۸ ما دست به عصا و خیلی خیلی مراقب و محتاط ۱۰۰ دستگاه فروختیم و ۵۰ تا نصب داشتیم. در این فاصله هم در مناقصات، شرکت می‌کردیم اما قبول مان نمی‌کردند؛

